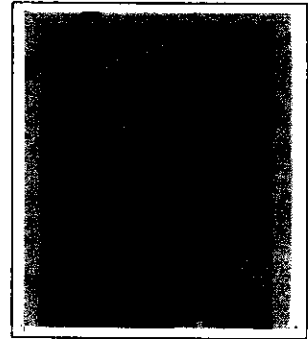


در گذشتگان

آية الله صالحی مازندرانی



فقیه معظم حضرت آية الله آقای حاج شیخ اسماعیل صالحی مازندرانی - قدس سره - یکی از علمای مشهور حوزه علمیه قم به شمار بود.

معظم له، به سال ۱۳۵۲ ق (۱۳۱۲ ش) در روستای «آلاشت» - از توابع قائمشهر - در خانواده ای روحانی و اهل علم و دانش زاده شد. پدرش مرحوم ملا رحمة الله، یکی از علمای خوشنام منطقه بوده که علاوه بر ارشاد و راهنمایی مردم، به کار کشاورزی هم مشغول بود. فقید سعید در ۵ سالگی، قرآن مجید و خواندن و نوشتن را از پدرش بیاموخت و پس از آن، گلستان و نصاب و جامع المقدمات و برخی کتاب های دیگر را از همو فراگرفت. سپس در حدود سال ۱۳۲۷ ش به بابل

رفت و در مدرسه صدر، ادبیات و منطق را به خوبی آموخت و پس از آن، در سال ۱۳۳۰ ش به تهران عزیمت کرد و برخی از کتاب های سطح را فراگرفت. در سال ۱۳۳۲، به قم مهاجرت نمود و حدود هفت ماه در مدرسه فیضیه اقامت داشت و به تکمیل سطوح پرداخت. در آغاز سال ۱۳۳۳ ش، به سوی مشهد مقدس حرکت کرد و سطوح عالی و بخشی از خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات: شیخ مجتبی قزوینی، شیخ هاشم قزوینی، میرزا کاظم دامغانی و آية الله میلانی به خوبی آموخت. او در این زمان، در مدرسه خیرات خان ساکن بود و به عنوان یکی از طلاب خوش فکر و جدی و کوشا و فاضل شناخته شده بود. در سال ۱۳۳۹ ش، به حوزه علمیه قم بازگشت و به درك محضر حضرات آیات عظام: آقای بروجردی (که چند ماه از درس وی را درك کرد)، امام خمینی، محقق داماد، گلپایگانی و میرزا هاشم آملی (که بیش ترین استفاده را از درس وی برد) و علامه طباطبایی موفق شد و علاوه بر تحصیل، به تدریس سطوح فقه و اصول و کلام و فلسفه و تفسیر هم اشتغال داشت و شاگردان فراوان، پرورش داد. وی، دوره های متعدد شرح

تجرید، شرح منظومه، اسفار، نهاية الحکمة، کفایة الاصول، خارج فقه و اصول تدریس نمود و بسیاری از نوارهای درسی اش هم اکنون موجود است.

او در دوران مبارزه روحانیت به رهبری امام خمینی بر علیه رژیم ستمشاهی، از هیچ کوششی فروگذار نکرد و نامش همواره در ذیل اعلامیه های مدرسین حوزه علمیه قم دیده می شد و در سال ۱۳۵۳ ش و ۱۳۵۴ دستگیر و در زندان های مختلف (قم و تهران) محبوس شد و در سال ۱۳۵۷ ش، سخنرانی های متعدد در شهرهای استان یزد و کرمان علیه رژیم ایراد نمود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از خدمت به نظام باز نایستاد و دو دوره به نمایندگی مردم استان مازندران در مجلس خبرگان رهبری برگزیده شد و سالیانی چند در دادگاه عالی انقلاب اسلامی نیز به خدمت پرداخت.

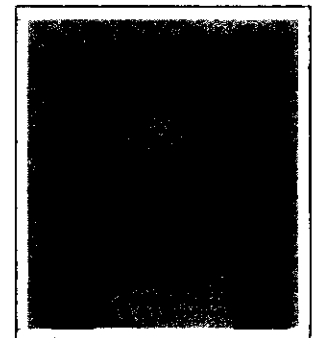
برخی از تألیفات چاپ شده آن فقیه فقید عبارتند از:

۱. مفتاح البصيرة فی فقه الشريعة (شرح طهارت عروة الوثقی، ۳ ج)
۲. توضیح المسائل
۳. مناسک حج
۴. استفتائات (۲ ج)

۵. احکام جوانان و بانوان و آثار غیر چاپی اش هم عبارتند از:
۶. تقریرات درس فقه آیه الله میرزا هاشم آملی (مباحث: طهارت، بیع و خیارات)
۷. اصول فقه (دوره کامل)
۸. حاشیه بر اسفار
۹. حاشیه بر شرح منظومه
۱۰. ولایت فقیه
۱۱. رساله در «ولایت جد و پدر»
۱۲. رساله در «انفال و منافع عامه»
۱۳. کتاب البیع
۱۴. کتاب الخیارات
۱۵. شرح تحریر الوسیله (ابواب: خمس، قضا، وکالت، کفالت)
- سرانجام آن فقیه بزرگوار، در ۶۸ سالگی، در بامداد روز جمعه ۹ شهریور ۱۳۸۰ (۱۱ جمادی الثانی ۱۴۲۲ق) در زادگاهش حیات را بدرود گفت و پیکر پاکش، پس از تشییع باشکوه و بی سابقه در ساری، به قم انتقال داده شد و در روز دوشنبه پس از تشییع مجدد و نماز آیه الله جوادی آملی بر آن، در مسجد طباطبایی حرم حضرت معصومه - سلام الله علیها - به خاک سپرده شد و عالمی از علم و عمل را با خود به خاک برد.

*

آیه الله خاتم یزدی



مرحوم آیه الله آقای حاج سید عباس خاتم یزدی، یکی از علمای حوزه علمیه قم به شمار می رفت.

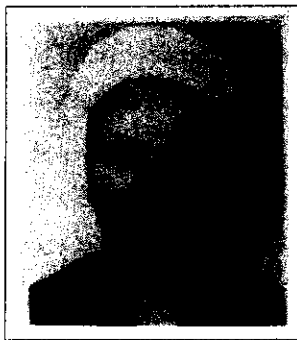
فقید سعید در سال ۱۳۴۹ق (۱۳۰۹ش)، در خانواده ای روحانی به دنیا آمد. پدرش حاج سید یحیی احمدآبادی از تحصیل کردگان نجف اشرف بود که برای تبلیغ دین به زادگاهش - احمدآباد - بازگشته بود. معظم له دوران کودکی را نزد پدرش به فراگیری قرآن و دروس ابتدایی پرداخت، اما تندباد اجل، در ۹ سالگی پدرش را از کفش ربود و گرد تیمی بر سرش نشست، اما مرحوم حجة الاسلام سید علی محمد وزیری، سرپرستی وی را بر عهده گرفت و تحت نظر وی به تحصیل علوم دینی روی آورد. نخست، ادبیات و سطوح را نزد حضرات آیات: سید جلال علومی، سید علی محمد کازرونی، سید علی اکبر علوی، سید جلال آیت اللهی تفتی فراگرفت. در سال ۱۳۳۴ش به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و در محضر حضرات آیات: سید حسن مدرس یزدی (رسائل)، فکور یزدی (مکاسب)، شیخ عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی (کفایه) و شیخ محمد فکور احمدآبادی (شرح منظومه) سطوح عالی را آموخت. سپس به درس خارج آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی، اراکی، محقق داماد و شیخ عباسعلی شاهرودی حاضر شد و مبانی علمی اش را استوار ساخت. در سال ۱۳۳۹ش، به حوزه علمیه نجف رفت و به مدت ۱۸ سال از بحث های آیات عظام: خویی، حکیم، شاهرودی، امام خمینی، میرزا حسن یزدی و حاج سید یحیی ایزدی بهره فراوان برد و عضو شورای استفتای امام خمینی شد و به نمایندگی و وکالت معظم له، در سال های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ش به حج مشرف شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عضویت دفتر استفتاء امام درآمد و پاسخگویی به استفتائات بسیار، بر عهده اش نهاده شد. وی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نماینده مردم

یزد در مجلس خبرگان رهبری، و دبیر شورای سیاست گذاری ائمه جمعه بود و در حوزه قم، به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشت. برخی از تألیفات وی عبارتند از:

۱. تقریرات درس اصول آیه الله خویی (دوره کامل)
۲. تقریرات درس فقه امام خمینی وی، به علت بیماری در ۷۲ سالگی، در روز سه شنبه شهریور ۱۳۸۰ش (جمادی الثانی ۱۴۲۲ق) بدرود حیات گفت و پیکر پاکش پس از تشییع باشکوه در یزد، به قم انتقال داده شد و پس از نماز آیه الله بهجت بر آن، در حرم حضرت فاطمه معصومه - سلام الله علیها - به خاک سپرده شد.

ناصرالدین انصاری

میرزا محمد اشکذری



یکی از عالمان و مدرّسان حوزه علمیه مشهد مقدس (مدرسه نواب)، مرحوم حجة الاسلام والمسلمین، آقا میرزا محمد اشکذری خراسانی بود. میرزا محمد اشکذری (۱۳۱۱ش - ۱۳۵۳ش) - فرزند علی اکبر اشکذری - در حدود سال های ۱۳۲۳ - ۱۳۲۴ش، وارد حوزه علمیه مشهد گشت و مشغول به تحصیل شد. در آن سال ها (تا حدود ۱۳۳۰ش)، تولیت مدرسه نواب، با عالم ریائی، خطیب بزرگوار، مری تأثیرگذار، مرحوم آیه الله حاج میرزا علی اکبر نوقانی

(م ۱۳۷۰ق) بود. این مرد بزرگ، و مجسمه اخلاق و فضیلت، مدت حدود ۷ سال، در تربیت و بالیدن و سامان پذیرفتن طلاب حوزه خراسان، تدبیری ژرف و تأثیری شگرف داشت، که نباید در تاریخ خراسان و حوزه های علمیه خراسان، و مدرسان و منبری های آن سامان فراموش گردد. این تأثیر، از طریق طلاب فاضلی که در تابستان ها برای زیارت امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا (ع) به مشهد مشرف می شدند - و بیش تر در مدرسه نواب ساکن می گشتند - و هم از طریق برخی از طلاب فاضل مشهدی که به قم انتقال می یافتند (از جمله برای درک درس مبارک مرجع اکبر، و فقیه اعظم، حضرت آیه الله العظمی، حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی) تا حدودی به بیرون از حوزه ها و مدارس خراسان نیز کشیده شده بود، و نظامی را که ایشان برای مدرسه نواب تعیین کرده بود، مورد توجه طالبان کمال، و آگاهان، و معتقدان به ارزش وقت و اهمیت نظم، و ضرورت سواد برای اهل علم، و وجوب دیدن دوره تربیتی برای اهل منبر و واعظان قرار می گرفت.

همچنین باید یاد کنم که در آن سال های فروپاشیدن حوزه ها به دست عوامل بیسواد و پست استعمار پیر، یکی از بزرگ ترین مرزبانان موجودیت علمی و معارفی خراسان، و یکی از بزرگ ترین عالمان دوران، و استاد استادان آن سامان، متفکر حقیقت اندیش، عقل شناس نوآور، تقلید شکن شجاع در عقلیات، قرآن دان کم مانند، معارف گستر پر آوازه، و عابد و زاهد بی نظیر، مرحوم آیه الله آقا میرزا مهدی اصفهانی خراسانی (م ۱۳۶۵ق) در مشهد مقدس حضور داشتند، و مشعل فروغزایی بودند که حوزه خراسان را «خور آسا» کرده بودند، و به تعبیر آیه الله العظمی حاج سید صدرالدین صدر

(م ۱۳۷۳ق) «ارض اقدس به وجود ایشان مزین بود، و سال های سال اهل علم از محضر شریف ایشان استفاده می کردند.» (مکتب تفکیک، چ سوم، ص ۲۳۶)

چنان که اشاره کردیم، تا پیش از فرارسیدن شهریور ۱۳۲۰، از سوی «رژیم» انگلیسی پست و پلیس و فضیلت کش رضاخانی، و برخی منورالفکرهای فاقد ملیت راستین، و دوراندیشی خردمندانه، با روحانیت بسختی مبارزه می شد، تا جایی که مدارس - اغلب - بسته شده و ویران گشته، و نظام تحصیلات علوم اسلامی از هم پاشیده بود. و با این سختی ها و فشارها کم تر کسی و جوانی یافت می شد که این همه خطر را بپذیرد، و محرومیت های مختلف فردی و اجتماعی را به جان بخرد، و رو به سوی مدارس ویران و مدرسان سرگردان و در حال تبعید علوم اسلامی بگذارد.

از این رو، مرحوم آقا میرزا مهدی اصفهانی (که در حفظ حوزه خراسان و دمیدن روح علمی و انتقادی و اخلاقی در این حوزه، سهمی بس گران دارند)، جوانان را به ورود به حوزه و تحصیل علوم دینی تشویق می فرمودند، و خود تدریس های خویش را در خانه (کوچه نو، میان باغ نادری و میدان شهدا) ادامه می دادند. از جمله جوانان یاد شده، یکی میرزا محمد اشکذری بود، که به دلیل آشنایی مرحوم میرزای اصفهانی با پدر میرزا محمد، توصیه می کنند که ایشان به تحصیل علوم دینی اشتغال ورزد. از سویی دیگر، او را برای ورود به «مدرسه نواب»، به مرحوم نوقانی (که خود از مأنوسین با میرزای اصفهانی و شاگردان معارفی و پروردگان مکتب او بود)، معرفی می کنند. و بدینسان میرزا محمد اشکذری نوجوان، در شمار محصلان مدرسه نواب (بهترین مدرسه علمیه

مشهد، و دارای بهترین مربی و مدرسان در آن سال ها) درمی آید، و به تحصیل اشتغال می ورزد.

طالب علم جوان ما، پس از مدتی تحصیل و آموختن، با بی اعتنایی به فشار فقر و محرومیت، و اجازه ندادن که این امور در عزم راسخ او تأثیری بگذارد، و او را به سوی خواسته ها بکشاند، زاهد و صبور، و متواضع و قانع، در طلب علم از محضر استادان می کوشد، و با همه دقت و سختگیری مرحوم نوقانی، در امور درسی و اخلاقی طلاب، و وجود برنامه های امتحانی از همان روزگار (حدود ۶۰ سال پیش در حوزه مشهد)، در شمار طلاب ممتاز جای می گیرد.

میرزای اشکذری، دروس مقدماتی و منطقی و ادبیات و اصول ابتدایی را، در نزد این استادان فاضل و شریف می خواند:

۱. حجة الاسلام، حاج شیخ غلامحسین مصباح الهدی (از افاضل برجسته حوزه خراسان، و مبارز در نهضت ملی شدن صنعت نفت).

۲. حجة الاسلام، حاج سید حسین سیدی علوی (از افاضل زبده حوزه خراسان و خدمتگزاران کوشای تعلیم و تربیت دینی).

۳. حجة الاسلام، سید جواد مصطفوی خراسانی (مؤلف کتاب بسیار گران ارج «الکشاف عن الفاظ نهج البلاغه فی شروحه»، و آثاری دیگر...).

سپس برای فراگرفتن سطوح عالیة فقه و اصول، به درس این استادان گرانمایه و نمونه حاضر می شود:

۴. آیه الله حاج میرزا احمد مدرس یزدی خراسانی (م ۱۳۵۰ش)

۵. آیه الله حاج شیخ هاشم قزوینی خراسانی (م ۱۳۳۹ش)

۶. آیه الله حاج شیخ مجتبی قزوینی خراسانی (م ۱۳۴۶ش)

استاد اخیر الذکر، متاله بزرگ قرآنی،

و متعقل سترگ و حیانی، مروج معارف خالص اهل بیت (ع) در عین این که فقه و اصول (سطح و خارج) تدریس می کردند، به طور عمده فلسفه درس می دادند و معارف قرآن. مرحوم اشکذری، مقداری از این دروس علامه قزوینی و عالم ذوفنون باطنی، مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی خراسانی استفاده کرده اند.

۷. آیه الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی (م ۱۳۹۵ ق) از سالی (۱۳۳۳ ش) که این فقیه اصولی مدقق و حکیم کم مانند به مشهد مشرف شدند، و درس خارج اصول و فقه شروع کردند، میرزای اشکذری به درس ایشان نیز حاضر می شدند، و مورد توجه آن استاد کم مانند بودند.

در خلال ایام تحصیل (بنا بر رسم حوزه ای، رسمی بسیار سودمند که هر فاضلی برای طلاب پایین تر تدریس کند)، برخی از فاضلان حوزه مشهد (و طلابی که از دور و نزدیک به مشهد آمده بودند)، دروسی را از محضر میرزای اشکذری می آموختند. میرزای اشکذری درسی مفید و کم تعطیل و با پیشرفت داشتند. بیانشان نیز بر ادای مطالب - حتی مطالب پیچیده علمی - توانا بود، از جمله به یاد دارم که «دلیل افتراض» را در «حاشیه ملا عبدالله» به خوبی و روشنی تقریر و تحریر می کردند.

بدین گونه بود تا مهر ماه سال ۱۳۳۹ ش (۱۳۸۰ ق)، که استاد بزرگ افاضل، آیه الله حاج شیخ هاشم قزوینی خراسانی، به رحمت ایزدی پیوست:

آنکو درفش بارقه فضلش بر آسمان علم چو کیوان بود سیراب کرد نفته دلها را سرچشمه معارف قرآن بود آموخت فرق باطل و حق ما را رمز آشنای معنی «فرقان» بود

گاه ستیز در ره حقجویی
یکتا مبارز صف میدان بود
در ملک زهد و کشور استغنا
بی تاج و تخت، حاکم و سلطان بود
بر صفت قناعت و آزادی
همتای پاک بوذر و سلمان بود
(مکتب تفکیک، ص ۲۸۵-۲۸۷)

از آن پس، مسند تدریس سطوح عالی (رسائل، مکاسب، کفایه) از جمله، به عهده آقا میرزا محمد اشکذری محول گشت. و ایشان تا پایان عمر کوتاه خود، حدود ۱۴ سال تمام، پیوسته اشتغال به تدریس و تربیت علمی فاضلان حوزه داشتند.

میرزای اشکذری - چنان که اشاره شد - در دوران طلبگی تا سال ها ساکن مدرسه بود. با فقر و آبرومندی می زیست، و همه کارهای خود را خود انجام می داد، کنار حوض مدرسه می نشست و ظرف می شست. طالب علمی کوشا، عابد و فروتن بود. زحمتکش و پرهیز آشنا بود. و در دوران بعد، عالمی زاهد و محترم و مدرسی فداکار و معلم به شمار می رفت. در سراسر زندگی تعلیمی و تعلیمی خود، زندگی زاهدانه داشت، و بیش تر اوقات مقروض بود.

میرزا محمد اشکذری، مدرسی بسیار با عاطفه، مهربان و خلیق بود. با وجود محبتی که به فرزندان خود داشت، مجالست با طلاب را ترجیح می داد، و غالب اوقات را در مدرسه می گذرانید. هرگاه درس نداشت، کتاب می خواند. وضو و نماز و آداب آنها را نیک رعایت می کرد، و نمازی با توجه و حضور و خضوع می خواند. روزهای تعطیل را نیز - اغلب - به مدرسه می آمد و با طلاب می گذرانید. به هنگام نشست و برخاست با شاگردان، اگر کسی او را نمی شناخت نمی دانست شاگرد کیست و استاد کدام ... این اندازه

افتاده و اهل توجه بود. از وی دو پسر و دو دختر ماند. رحمة الله علیه رحمة واسعة.

این جانب، پیش از آن که برای تحصیل ادبیات عالی و عروض و قافیه و بلاغت اسلامی، به محضر استاد بزرگ، حجة الحق، شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری (ادیب ثانی، م ۱۳۵۵ ش) برسم، در حدود ۲-۳ سال، کتاب های مقدماتی را نزد چند تن از طلاب فاضل آن روز حوزه مشهد - در مدرسه نواب - فراگرفتم، از جمله:

۱. آقا سید جعفر سیدان (امروز: استاد معارف قرآنی، عالم جامع تفکیکی (از شاگردان خاص علامه حاج شیخ مجتبی (ره) قزوینی می باشد)، و خطیب بزرگ اخلاقی، آیه الله سید جعفر سیدان خراسانی).

۲. آقا سید عباس سیدان (امروز: حجة الاسلام والمسلمین، مدرس فاضل، مربی دینی و معلم جلسات «الغدیر» - مشهد مقدس). (از شاگردان خاص علامه حاج شیخ مجتبی (ره) قزوینی می باشد)

۳. آقا شیخ رحمت الله فشارکی (امروز: از مدرسان نام آور ادبیات و متون حوزه ای، در حوزه مقدسه قم، که شهرتی بحق دارند، و محل بهره رسانی گسترده هستند، و در زهد و کم تعلقی موفقند).

۴. آقا میرزا محمد اشکذری خراسانی، مدرس فقیه سطوح عالی، در حوزه خراسان.

این جانب، در سال های مورد اشاره، نزد ایشان از جمله این کتاب ها را (با همان وقت و کوشایی و تعطیلات اندک، و یادداشت برداری و مطالعه مکرر و مباحثه، در ایام تحصیل و تعطیل ... و سپس تدریس) خواندم:

۱. «شرح سیوطی».
۲. «مغنی» (از آغاز باب اول تا پایان باب چهارم).
۳. «حاشیه» ملا عبدالله یزدی، بر «تهذیب المنطق» تفتازانی (و در کنار آن، «اشکال المیزان» فرصت شیرازی، و حاشیه عبدالحمی بر حاشیه-خطی).

۴. «شرح شمسیه» قطب الدین رازی (و در کنار آن، «رهبر خرد» و «بصائر النصیریه» قاضی شهلان ساوی).
۵. شرح «باب حادیعشر» فاضل مقداد.
۶. معالم الاصول.
۷. توحید صدوق (ره).
۸. شرح مطول (مقداری از باب اول). در پایان باید یاد کنم که در نوشتن این

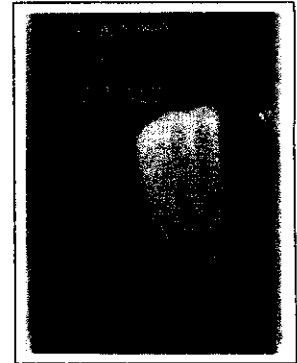
مقاله، از نوشته دوست فاضل دیرین، جناب حجة الاسلام آقای حاج سید ذبیح الله اسلامی (از فاضلان و عالمان حوزه علمی خراسان) استفاده کرده ام.

محمدرضا حکیمی
اردهیشت ۱۳۸۰

*

فرهنگی

انتشار فصل نامه قرآنی کوثر



نخستین شماره فصل نامه قرآنی کوثر که اولین نشریه قرآنی استان اصفهان به شمار است به صاحب امتیازی مؤسسه انتشارات پیام صادق (ع)، مدیر مسؤلی حجة الاسلام سید محمدرضا علاء الدین و سردبیری حجة الاسلام علی رهبر منتشر شد.

در وجه تسمیه این نشریه وزین می خوانیم: «و ما، نام فصل نامه را کوثر نهادیم، تا همچون کوثر قرآن، خیر کثیری باشد برای همه قرآن دوستان و عاشقان کلام وحی، امید آن داریم که دستمان گیرید و هادیمان باشید!» (ص ۸) پس از این براءت استهلال به طرح پرسش ها، نکات و راهکارها و برنامه های اساسی در ارتباط با مقوله قرآن پژوهی و قرآن مانوس پی برداشته شده و تاریخچه قرآن گرایی در اصفهان را بیان می دارد که آنچه از گذشته مطرح می شود از عهد صفویه به این طرف می باشد و عمدتاً

پرسش ها و نکته ها از شهر اصفهان است که پایتخت ایران اسلامی و مرکز علمی جهان اسلام در آن عهد بوده و دانستن این پیشینه در خشان قرآنی خود پشوانه خوبی برای قرآن زیستی و قرآن پژوهی در حال و آینده (ص ۱۱) است و یکی یک اهداف این مجله و چنین مجلاتی را در قالب پرسش و بررسی گذشته، حال و آینده برمی شمرد و مثلاً از زبان شورای تحریریه این چنین می آورد که هدف این فصل نامه به آن است که «گذشته (انس با قرآن) را با تمام فراز و نشیب هایش و در تمامی ابعاد و جلوه هایش پیش روی شما قرآن دوستان گشوده و با دعوت به تدبیری تام و تفکری خالص بر عظمت و نقشی که قرآن در اصفهان و ایران بر جای گذاشته، شمارا در فضای قرآنی امروز، برای استمرار بخشی نقش قرآن در جمیع جهات، از حوزه تعلیم و تربیت گرفته تا شعر و ادب، و از معماری و فضا سازی گرفته تا هنر و صنعت و از میراث مکتوب قرآنی گرفته تا جلسات قرآن آموزی پیش برده و وظیفه آحاد جامعه اسلامی در قبال قرآن و راهکارهای قرآن پژوهی و قرآن زیستی و تحقق جامعه قرآنی تأکید نماییم.» (ص ۱۳)

برخی از عنوان های این شماره عبارتند از: آینه کوثر، پرسش هایی درباره قرآن پژوهی، قرآن از دیدگاه کوثر قرآن، فرزندان قرآن بخوان، شامل سفارش بزرگانی چون

علامه مجلسی اول، امام خمینی، علامه طباطبائی، آیه الله مرعشی و آیه الله مطهری به فرزندانشان در خصوص انس با قرآن حکیم است؛ شیوه بیان قرآنی که بررسی سهل و ممتنع بودن، کاربرد استعاره و مجاز و کنایه را عهده دار است؛ مردم سالاری دینی از منظر قرآن کریم که به راهکارهای قرآن برای مردم سالاری دینی، افول مکاتب غربی و مبانی آن و نقش مردم دیندار در حکومت اسلامی می نگرد؛ خودی و غیر خودی از دیدگاه قرآن کریم و عرفان اسلامی، عشق و محبت از منظر قرآن کریم، که تفسیری است از آیه والذین آمنوا اشد حباً لله با زیرفصل های: راه های افزایش محبت، محبوب سازی مجازی، چرایی اختلاف محبوب و راهبردهای قرآنی در این موضوعات؛ سخنی با مریبان و معلمان قرآنی، قصه های قرآنی و تقویم قرآنی ربیع الاول تا جمادی الثانی ۱۴۲۲ نمونه استخراجات دست اندرکاران مجله است با عنایت به کتاب قصه آیه ها و سخن دیگر معرفی موزه ها و نمایشگاه های قرآنی است و حسن ختام مسابقه ای است که سؤالات آن «از مباحث قرآنی مطروحه در فصل نامه استخراج شده است.» (ص ۷۵)

برای همه دست اندرکاران نشریه توفیق روز افزون خواستاریم.

محمدرضا زاهدوش